

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهر

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی شیوه های تفسیر و تأویل آیات
در کشف المحجوب هجویری

استاد راهنما:

دکتر محمود مهر آوران

استاد مشاور:

دکتر سید علی رضا حجازی

۱۳۸۸ / ۳ / ۳۱

کتابخانه اطلاعیه مرکز علمی بزرگ
تهران

نگارنده:

سید جواد حیدری پور طراحان

زمستان ۱۳۸۷

۱۱۳۴۲۹

تاریخ: ۱۴ بهمن ۱۳۸۷

شماره: ۱۱۳ الف

پیوست:

بج



« صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد »

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف

جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد آقای سید جواد حیدری پور طراحان رشته : زبان و

ادبیات فارسی تحت عنوان "بررسی تفسیر و تاویل آیات در کشف المحجوب" با حضور هیأت داوران

در محل دانشگاه قم در تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۸ تشکیل گردید .

در این جلسه، پایان نامه با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد با حروف

با درجه : عالی (بسیار خوب) خوب (قابل قبول) دریافت نمود .

۱۳۱۶ - محمدی

نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبه علمی	امضاء
آقای محمود مهرآوران	استاد راهنما	استادیار	
آقای علیرضا حجازی	استاد مشاور	استادیار	
آقای محمد رضا موحدی	استاد ناظر	استادیار	
آقای محمد جواد نجفی	استاد ناظر	استادیار	
آقای علیرضا نبی لو	نماینده تحصیلات تکمیلی	استادیار	

رئیس امور آموزش و تحصیلات تکمیلی

نام و امضاء :

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده

نام و امضاء : دکتر علیرضا نبی لو

مکانی:
قم، جاده قدیم اصفهان،
دانشگاه قم
کدپستی: ۳۷۱۶۵
تلفن: ۲۹۲۳۳۱۱
دورنویس:
ریاست ۲۹۳۵۶۸۲
وخت آموزشی ۲۹۳۵۶۸۴
وخت اداری ۲۹۳۵۶۸۶
وخت دانشجویی ۲۹۳۵۶۸۸

يا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الصَّرُّ وَ جِنِّنا بِيضَاعِهِ مُرْجَاهِ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي
الْمُتَصَدِّقِينَ

چگونه سر ز خجالت بر آورم بر دوست که خدمتی بسزا بر نیامد از دستم

با سلام به پیشگاه پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام بخصوص حضرت بقیت الله الاعظم روحی و ارواح العالمین له الفداه و عرض ارادت به آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها
تقدیم به دوستان دوره کارشناسی ام در شهر زیبای تبریز که حلاوت و شیرینی ادبیات پارسی را
نخستین بار در محضر ایشان چشیدم.

یاد باد آن صحبت شبها که با نوشین لبان
بحث سر عشق و ذکر حلقه عشاق بود
حسن مهرویان مجلس گرچه دل می برد و دین
بحث ما در لطف طبع و خوبی اخلاق بود

تشکر و قدردانی

در اینجا لازم می دانم از تمامی اساتید بزرگوار دانشگاه قم در دوره کارشناسی ارشد که مرا در تحصیل علم یاری و پشتیبانی نمودند تقدیر و تشکر می نمایم.

از استاد گرامی و بزرگوار جناب دکتر محمود مهرآوران که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه بر عهده گرفتند نهایت تقدیر و تشکر را دارم.

از جناب آقای دکتر علی رضا حجازی به عنوان مشاور که با راهنمایی خود مرا مورد لطف قرار داده اند کمال تشکر را دارم.

همچنین از داوران محترم جناب آقای دکتر نجفی و علی الخصوص جناب آقای دکتر موحد که اندک محاسن این پایان نامه را نیز در نظر گرفتند سپاسگزارم.

در پایان از پدر و مادر عزیزم که در سایه الطاف پروردگار و ائمه اطهار علیهم السلام هر چه دارم از ایشان دارم صمیمانه تشکر می کنم.

چکیده

کشف المحجوب هجویری به عنوان یک کتاب عرفانی سرمشق متصوفه بوده و بسیاری از آنان در شناخت راه و رسم و عقاید تصوف از این کتاب بهره جسته اند.

از آنجا که هجویری از آیات قرآن کریم در کتاب خود به عنوان دلیل، بینه و مصدق کلام خود بهره جسته و در بیان عقاید و اندیشه های خود به این آیات استناد نموده است، باید بررسی کرد که شیوه استناد و بهره گیری او از آیات چگونه بوده است.

برای دریافت این موضوع ناچار باید به چگونگی تفسیر و تأویل او از آیات کتاب نگریست و معین کرد که او از منابع تفسیر و تأویل که شامل قرآن، سنت و عقل می باشد چگونه استفاده کرده است.

اگر کسی تأویل و تفسیر را بشناسد و چگونگی تفسیر و تأویل هجویری و روشهای او را دریابد می تواند عقیده و اندیشه او را به روشنی نقد کند و میزان صحت و خطای آن را دریابد. همچنین در می یابد که آیا هجویری عقاید و نظریات خود را با آیات قرآن تطبیق داده است یا اینکه آن را بر آیات تحمیل کرده و به قولی تفسیر به رأی نموده است.

در این تحقیق ابتدا تفسیر و تأویل شرح داده شده و تفاوت آن دو با هم مورد بررسی قرار گرفته است، آنگاه از آنجا که هر مفسری برای تفسیر خود به سه منبع قرآن، سنت و عقل نیازمند است، تفسیرها و تأویلات این کتاب از حیث این سه منبع به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است تا روشهای تفسیری هجویری در کتاب و چگونگی استفاده او از این منابع مشخص شود.

کلمات کلیدی:

تفسیر، تأویل، قرآن، کشف المحجوب، هجویری

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۱	پیشگفتار
۲	مختصری در شرح حال مؤلف، کتاب و آثار او
۳	وضعیت ادب و تصوف در زمان هجویری
۴	اشاره ای به کتاب کشف المحجوب
۵	درباره دو اصطلاح تأویل و تفسیر
۵	تفسیر
۷	روش های تفسیری
۸	مراحل شکل گیری تفسیر قرآن کریم
۹	منابع تفسیر قرآن
۱۱	تفسیر به رای
۱۲	تأویل
۱۳	تفاوت تأویل با تفسیر و تزییل
۱۵	تفسیر و تأویل در طول تاریخ
۱۷	تأویل و تفسیر در نزد متصوفه
۱۷	نظر هجویری درباره تفسیر و تأویل
۱۹	علم هرمنوتیک
۲۱	تفسیر و تأویل در قرآن کریم
۲۱	ذکر چند نکته
۲۳	بخش تفسیر
۲۴	تفسیر قرآن به قرآن
۴۸	تفسیر قرآن به سنت

۶۱	تفسیر قرآن به عقل
۷۹	بخش تأویل
۸۰	تأویل قرآن به قرآن
۹۶	تأویل قرآن به سنت
۱۰۷	تأویل قرآن به عقل
۱۲۰	نتیجه
۱۲۱	فهرست ها
۱۲۲	فهرست آیات
۱۳۱	فهرست احادیث و اقوال مشایخ
۱۳۵	فهرست منابع و مآخذ

پیشگفتار

«ان هذا القرآن يهدي للتي هي أقوم و يبشر المؤمنين الذين يعملون الصالحات ان لهم أجراً كبيراً» (اسراء / ۹)

قرآن کتاب هدایت است و معیاری برای سنجش اعمال. بی شک هر مسلمانی باید اعمال و عقاید خود را بر قرآن عرضه دارد و با آن مقایسه کند. نویسندگان، شاعران و اندیشمندان بزرگ نیز بسیاری از عقاید و اندیشه‌های خود را با آیات قرآن کریم سنجیده و بیان کرده‌اند تا سخنان ایشان به صواب نزدیکتر باشد و مورد پذیرش مردم قرار گیرد.

علی بن عثمان هجویری از پرچمداران اهل تصوف است و کتاب کشف المحجوب او از امتهات کتب صوفیه است که از دیرباز راهنمای اهل تصوف بوده است. هجویری در کتاب خود از آیات قرآن کریم استفاده نموده و بسیاری از نظرات خود را بوسیله آن آیات تبیین نموده است.

هدف ما از بررسی تفسیر و تأویل آیات در این کتاب، شناختن و یافتن روش‌های تأویلی و تفسیری هجویری و نتیجه‌گیری او از آیات است. اگرچه چگونگی تأویل و تفسیر در نتیجه‌گیری و دست‌یابی به هدف تأثیرگذار است، لکن هدف ما بیان این نیست که مؤلف در کجا راه صواب را پیموده و در کجا دچار خطا شده است و در کجا تفسیر و تأویل به رأی کرده، زیرا این داوری‌ها کار مفسر است و از صلاحیت نگارنده خارج است. نظراتی که در این تحقیق ارائه می‌شود به عنوان تفسیر شرعی از آیات کتاب نیست بلکه بیشتر از جنبه ذوقی و عرفانی مورد بررسی قرار گرفته است.

مختصری در شرح حال مؤلف، کتاب و آثار او

ابوالحسن علی بن عثمان بن علی جلابی غزنوی هجویری (م. ۴۶۵ هـ. ق) از مؤلفان بزرگ نیمه اول قرن پنجم هجری است. (صفا، ج ۱، ۱۳۷۷، ۳۳۸) وی از همان دوران کودکی به آموختن قرآن و حدیث و فقه پرداخت. گویا پدر وی که از کارگزاران دولت غزنوی بوده به علت قتل سلطان مسعود مجبور می‌شود که جلای وطن کند. بنابراین هجویری شهرهای بزرگی چون خراسان، نیشابور و طوس را در جوانی دیده است.

مشایخ و اساتیدی که هجویری در طول سفر خود با آنها آشنا شده است بزرگانی چون ابوالعباس شقانی، ابواحمد مظفر حمدان، ابوالقاسم کُرکانی و ابوالقاسم قشیری بوده‌اند. همچنین هجویری به خدمت شیخ ابوالفضل ختلی نیز رسیده است.

قشیری اواخر عمر خود را در شهر لاهور سر کرده است و کتاب *کشف المحجوب* خود را در همین شهر به رشته تألیف در آورده است.

آثار هجویری بنابر اظهار خود در *کشف المحجوب* عبارت است از: *اسرار الخرق* و *الملوتات*، در بیان رموز اجزای خرقه، *البيان لاهل العيان* در جمع و تفرقه، *الرعايه بحقوق الله*، تعالی در توحید صانع و طرح و نقد آراء و عقاید دیگران در باب *آفریدگار جهان*، دیوان اشعار، کتاب *فنا و بقاء*، کتاب *کشف المحجوب*، کتاب *یا رساله‌ای در ایمان* که نامی از آن نبرده و کتابی در شرح کلام *حلاج* که باز نامی از آن نبرده است. (هجویری، ۱۳۸۶، ۲۵ الی ۲۳)

از بین تمامی کتاب‌ها و آثاری که از هجویری ذکر شد فقط کتاب *کشف المحجوب* باقی مانده است و از آثار دیگر او جز نامی در دسترس نیست.

هجویری سنی مذهب بوده و بر طریق جنید اهل صحو می‌باشد چنانکه در *کشف المحجوب* آمده: «و شیخ من گفתי - وی جنیدی مذهب بود - که: سکر، بازیگاه کودکان است و صحو فناگاه مردان.

و من که علی بن عثمان الجلابی ام، می گویم بر موافقت شیخم - رحمه الله علیه - که: کمال حال صاحب سکر صحو باشد و کمترین درجه اندر صحو، رویت بازماندگی بشریت بود. پس صحوی که آفت نماید، بهتر از سکری که عین آن آفت بود» (هجویری، ۱۳۸۶، ۲۸۲)

وضعیت ادب و تصوف در زمان هجویری

این دوره از مهمترین دوره های کمال نثر پارسی است. تعدد و تنوع نثر و همچنین تکامل سبک نثر در این دوره قابل توجه است. نثر ساده و ترسل تکامل یافته و به درجات عالی رسید و همچنین نثر مصنوع نیز متداول شد. بدین جهت عرصه های مختلف برای نثر آزمایشی نویسندگان بوجود آمد. (صفا، ج ۱، ۱۳۷۷، ۳۳۰)

این دوره همچنین در تاریخ تصوف اسلامی از ادوار مهم به شمار می آید. بسیاری از بزرگان صوفیه در این دوره ظهور کردند و به نشر افکار و عقاید خود در خصوص طریقت پرداختند. همچنین بیشتر رونق تصوف در ناحیه خراسان بود. میانی و آداب و رسوم تصوف در این دوره شکل ثابت و معینی یافته و نحوه اندیشه بزرگان آن روشن گردید. (نیرومند، ۱۳۶۴، ۱۴۶)

نزاع های مذهبی در این دوره بین معتزله و اشاعره و شیعه و سنی از دیگر دلایل رونق تصوف بود. چه آنها می توانستند با فراغ بال به نشر آرا و عقاید خود پردازند و همچنین مردم خسته از این جنگ و کشمکش ها با دیدن برخی کرامات آنان به فرقه ایشان پناه می آوردند. (همان، ۱۴۷)

رواج تصوف از دلایل مهم رواج نثر و تألیف کتابهای پارسی است. چنانکه در این دوره چندین کتاب معتبر از آثار متصوفه در بیان اصول تصوف و عرفان و شرح احوال مشایخ نوشته شده است. (صفا، ج ۱، ۱۳۷۷، ۳۳۱)

از کتب معتبر تصوف در این دوره می توان *اللمع، طبقات الصوفیه، التعرف لمذهب اهل التصوف و رساله ابوالقاسم قشیری* را نام برد.

همچنین شیوه دیگری از نثر به نام «نثرموزون» در کتب صوفیه دیده می شود از جمله در کتاب *اسرار التوحید و کتاب کشف المحجوب هجویری* (همان، ۳۳۳)

اشاره ای به کتاب کشف المحجوب

کتاب کشف المحجوب از کتب مهم صوفیه و از قدیم‌ترین آن‌هاست. این کتاب بعدها منبع مهمی برای بزرگان تصوف شد و بسیاری از نویسندگان از این کتاب بهره جستند. نثر این کتاب ساده و روان است. البته کلمات عربی در این کتاب بیش از کتب هم‌عصران اوست. هجویری به نسبت معاصران خود مفردات و ترکیبات عربی بیشتری به کار برده است. مخصوصاً ترکیبات و اصطلاحاتی که میان صوفیان رایج بود. همچنین در کتاب او به نمونه‌هایی از نثر موزون برمی‌خوریم. (شمیسا، ۱۳۷۸، ۳۵)

در سبک شناسی بهار آمده است: این کتاب از حیث سبک بالاتر و اصیل‌تر و به دوره اول نزدیک‌تر است تا سایر کتب صوفیه، و می‌توان آن را یکی از کتب طراز اول شمرد که هرچند در قرن پنجم تألیف شده و بیش از کتب قدیم دستخوش تازی و لغت‌های آن زمان است، اما باز نمونه سبک قدیم را از دست نداده و روی هم رفته دارای سبک کهنه است. (بهار، ج ۲، ۱۳۸۰، ۱۸۷)

موضوع کتاب درباره تصوف و اصطلاحات صوفیه است که از آیات قرآن مأخوذند و منابع این کتاب قرآن، کتب حدیث و کتب تفسیری است.

درباره تاریخ تألیف و اتمام کتاب گویا هجویری کشف المحجوب را در زمان حیات قشیری، پیش از سال ۴۶۵، آغاز کرده و بخش‌هایی از آن را نوشته است و پس از درگذشت کرکانی (۴۶۹م) آن را به پایان برده است. (هجویری، ۱۳۸۶، چهل و چهل و یک)

درباره ویژگی‌های زبانی مؤلف نیز باید گفت مؤلف از کلمات، عبارات و حروفی در کتاب خود استفاده کرده است که در کتب هم‌عصران او کمتر دیده می‌شود و به نوعی کلام او را از دیگران ممتاز کرده است. در بخش کلمات و عبارات می‌توان باز (در حالی که)، لامحاله (به ناچار) آنچه (آنکه) و برای حروف به (از) در (به طرف) و که (بلکه) را مثال زد. همچنین استفاده از فعل‌ها و واژگان خاص از ویژگی‌های مهم این کتاب است. (همان، چهل و یک الی چهل و سه و پنجاه و چهار)

از حیث موازنه و سجع، سجع‌هایی که در این کتاب آمده است زیادتر از اسجاعی است که در بلعمی و سایر کتب در دوره اول نثر فارسی است، ولی این سجع‌ها در برخی جاهای خاص دیده می‌شود و نادر است. (بهار، ج ۲، ۱۳۸۰، ۱۹۲)

در جای جای کتاب می‌توان حذف‌های مختلف را دید از جمله حذف فعل به قرینه، حذف شناسه فعل به قرینه، حذف فعل معین و ... ولی با وجود این چنانکه گفتیم نثر کتاب در بیشتر جاهای آن ساده و مرسل است مگر در جاهایی که به معرفی مشایخ می‌پردازد که به نوعی مسجع می‌شود و آنجا که به نقد اقوال و رد یا اثبات آن می‌پردازد که نثر علمی و خشک است. (هجویری، ۱۳۸۶، چهل و دو)

درباره دو اصطلاح تأویل و تفسیر

پیش از بررسی روش‌های تفسیر و تأویل آیات در این کتاب، ابتدا باید دو معنای تفسیر و تأویل تبیین شود تا برای خواننده مراد نگارنده در بحثی که پیش رو خواهیم داشت به خوبی حاصل شود چه دایره‌های تأویل و تفسیر در پاره‌ای از مواقع در یکدیگر متداخلند و تعیین حد و مرز این دو بدون پیش فرض دشوار بوده و از خطا مصون نخواهد بود.

تفسیر

تفسیر به معنای پرده برداری همچنین به معنای معنی روشنی و روشنگری است و در اصطلاح به معنای گشودن گره از لفظ مشکل است (علامه ابن منظور، ۱۴۰۸ هـ.ق، مجلد الرابع، ۱۰۹۵) از چهره کلمه و یا کلامی که بر اساس قانون محاوره و فرهنگ‌نامه ایراد شده باشد و معنای آن آشکار و واضح نباشد. (جوادی آملی، ج ۱، ۱۳۷۹، ۵۳) و به نقل از المیزان «کلمه تفسیر به طوری که راغب گفته - به معنای مبالغه در اظهار معنای معقول است بخلاف کلمه (فسر) به فتحه و سکون، که تنها به معنای اظهار آن معنا است بدون مبالغه» (علامه طباطبایی، ج ۱۵، ۱۳۶۶، ۲۹۸) همچنین تفسیر به چیزی که مخصوص بیان مفردات الفاظ و غرائب الفاظ است گفته می‌شود. (راغب اصفهانی، ج ۳، ۱۳۶۹، ۵۸)

در آغاز این کلمه به شروح کتاب‌ها و نوشته‌های علمی و فلسفی اطلاق می‌شد و مرادف با شرح و بیان معانی آنها بوده از این رو شرح‌های یونانی و عربی آثار ارسطو را تفسیر می‌گفته‌اند. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ۶۳۵) در تعریفی دیگر مصدر باب تفعیل از فَسَّرَ به معنای بیان و کشف است. مثلاً در زبان عرب اسفر الصبح یعنی صبح روشن شد و در جای دیگر گفته‌اند که این کلمه مأخوذ از تفسره است یعنی وسیله معاینه طیب از مریض. (سیوطی، ج ۲، ۱۳۸۴، ۵۴۹) پس واژه تفسیر، همراه است با توضیح و شرح و تفصیل برای تبیین و تفهیم آنچه به تنهایی به طور کامل فهم و ادراک نمی‌شود. اما تفسیر در اصطلاح معنای مختلفی دارد. به عنوان مثال اگر مراد اصطلاح ادبی آن باشد یعنی آن که ابتدا واژه یا جمله‌ای را مجمل آورده و سپس آن را شرح و تفصیل دهند. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ۶۳۵) مانند این آیه از قرآن کریم: «فَمَنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ، فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْذُوذٍ» (هود / آیات ۱۰۵ الی ۱۰۸) ملاحظه می‌شود که در این آیه ابتدا از شقی و سعید سخن به میان آمده و سپس درباره هر کدام توضیحی مفصل آمده است.

اما در معنای دیگر این اصطلاح برای روشنگری و گره‌گشایی از متون مقدس است که نیاز به دانش‌های مختلف دارد و خود به عنوان نوعی علم شناخته می‌شود.

در تعریف تفسیر گفته‌اند: «تفسیر، بر گرفتن نقاب از چهره الفاظ مشکله است.» هنگامی که هاله‌ای از ابهام، لفظ را فرا گرفته باشد و پوششی بر معنا افکنده باشد، مفسر با ابزار و وسایلی که در اختیار دارد در زدودن آن ابهام می‌کوشد. (معرفت، ۱۳۸۳، ۱۱۶)

در ادیان گذشته نیز کتاب‌های مقدس تفسیر می‌شده است ولی با تفسیر امروزی ما تفاوت‌هایی داشته است. به عنوان مثال در مسیحیت جنبه ارشادی و نو به نوشتن مفاهیم کتاب مقدس متناسب با نیازهای روز معنا شده است. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ۶۳۶)

درباره علم تفسیر نیز تعاریف متفاوتی شده است. به عنوان مثال اندلسی در باره تفسیر می‌گوید: «عَلْمٌ يُبْحَثُ فِيهِ عَنِ كَيْفِيَةِ النُّطْقِ بِالْفَافِ الْقُرْآنِ وَ مَدْلُولَاتِهَا وَ أَحْكَامِهَا الْإِفْرَادِيَّةِ وَ التَّرَكِيهَةِ» (الاندلسی، ج ۱، ۱۴۰۳ هـ ق، ۱۳)

سیوطی به نقل از زرکشی می‌گوید: تفسیر علمی است که با آن کتاب خداوند (قرآن) فهمیده می‌شود و بیان معانی و استخراج احکام و حکمت‌های آن انجام می‌گردد. (سیوطی، ج ۲، ۱۳۸۴، ۵۵۲)

اما استاد سید علی کمالی دزفولی بر طبق مذهب شیعه اثنی عشری قیدی بر آن می‌افزاید که عبارت است از مستند بودن «به قواعد لسان عرب و اسلوب آن و کتاب الله و اثر مرفوع پیغمبر اکرم و اوصیاء او علیهم السلام غیر معارض با نقل و کتاب و سنت و اجماع» (خرمشاهی، ۱۳۷۶، ۱۴۳) همان‌طور که دیدیم با وجود مشابهت تعریف‌ها، تفاوت‌های زیادی نیز در آنها دیده می‌شود که امکان دست‌یابی به یک نظر واحد را مشکل می‌سازد.

روش‌های تفسیری

مفسران در تفاسیر خود روش‌ها و سلیقه‌های متفاوت دارند که براساس همین روش‌ها به نتایج متفاوتی دست می‌یابند. برخی در تفسیر خود به آثار رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام و صحابه اکتفا نموده‌اند و گروهی دیگر آیات را براساس عقل و منطق خود مورد تفسیر قرار داده‌اند. عده‌ای دیگر از لحاظ بلاغی و ادبی و دستوری آیات را مورد کاوش قرار داده و برخی به تفسیر فلسفی و یا عرفانی روی آورده‌اند که به صورت مختصر این روش‌ها را بیان می‌کنیم:

تفسیر اجتهادی: در این روش تفسیر آیات بوسیله تدبر و کاوش‌های عقلی صورت می‌پذیرد. (همان، ۲۶۸)

تفسیر ادبی: در چنین تفسیرهایی به مباحث واژه‌شناسی عربی اهمیت داده می‌شود و معنای آیات بر اساس ترکیب کلمات و قرائت آنها بیان می‌شود (مؤدب، ۱۳۸۶، ۲۱۷)

تفسیر موضوعی: در این تفسیر موضوعات مختلف و مسائل گوناگون به صورت مجزا و نه به صورت ترتیبی تفسیر می‌شوند. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ۶۳۹)

تفسیر فقهی: در تفاسیر فقهی مفسران از آیات فقهی قرآن احکام فرعی فقهی را دریافت می‌کنند. (مؤدب، ۱۳۸۶، ۲۳۵)

تفسیر عصری: در این تفسیر مفسر با توجه به نیازهای عصر خود پیام قرآن را شرح می‌دهد. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ۶۴۲)

تفسیر کلامی: در این نوع تفسیر مفسر با گرایش کلامی که بیانگر عقاید اوست به تفسیر آیات می‌پردازد پس در تفسیر کلامی مفسر از عقاید خود دفاع می‌کند و شبهات مخالفان را پاسخ می‌دهد (مؤدب، ۱۳۸۶، ۲۴۷)

تفسیر تاریخی: در این تفسیر مسائل تاریخی و حوادث و وقایع مورد تحلیل قرار می‌گیرد و یا با گرایش تاریخی به تبیین و توضیح واژه‌ها، کلمات و پیام‌های قرآن می‌پردازند. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ۶۴۳)

تفسیر فلسفی: در این تفسیر از اصول و قواعد فلسفی برای ادراک مفاهیم و مقاصد قرآن کمک گرفته شده است و مفسر بر اساس مشرب فلسفی خود به تفسیر آیات می‌پردازد. (مؤدب، ۱۳۸۶، ۲۵۷)

تفسیر علمی: چون در آیات قرآن بسیاری از مسائل مربوط به علوم مختلف ذکر گردیده است، مفسرانی نیز پیدا شدند که این آیات را براساس نظریات علمی تفسیر کردند و یا میان یافته‌های خود با آیات قرآن رابطه برقرار نمودند. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ۶۵۱)

تفسیر عرفانی: در این نوع تفسیر نه براساس استدلال، لغت یا ادبیات بلکه بر اساس مطالب عرفانی و به شیوه رمز و براساس کشف و شهود و ذوق بیان می‌شود و به دو گروه باطنی و ذوقی تقسیم می‌گردد. (مؤدب، ۱۳۸۶، ۲۶۱)

تفسیر صوفیانه: این تفسیر نوعی تفسیر عرفانی است که تفسیر صورت گرفته از آیات بیشتر ذوقی و باطنی شده است و ارتباط آن با لغت و یا استدلال و روایت کمتر است. بنابراین سازگاری این نوع تفسیر با ظاهر آیات کمتر از تفاسیر عرفانی دیگر است. بسیاری از صوفیه در این نوع تفسیر راه افراط پیموده‌اند، چنانچه در برخی از موارد تفاسیر آنها مخالف نص صریح آیه است و با نظر اهل تفسیر تفاوت فاحش دارد. بنابراین بسیاری از مفسران نظر چندان مثبتی نسبت به این نوع تفسیر ندارند.

نوع روش تفسیری مورد استفاده در کشف المحجوب بیشتر عارفانه / صوفیانه است ولی در آن می‌شود رگه‌هایی از تفسیر کلامی را نیز مشاهده کرد.

مراحل شکل‌گیری تفسیر قرآن کریم

تفسیر قرآن را در پنج مرحله خلاصه کرده‌اند که عبارتند از:

۱- مرحله‌ای که نقل روایت بوده و هنوز تدوین نشده بوده که از صدر اسلام تا قرن اول هجری ادامه داشته است.

۲- مرحله‌ای که از ابتدای تدوین حدیث جزئی از ابواب آن بوده و از آن جدا شده بوده است. این مرحله از آثار قرن دوم هجری تا اواسط قرن سوم به طول انجامیده است.

۳- مرحله‌ای که در آن تفسیر از حدیث جدا می‌شود و به صورت علمی مستقل در می‌آید و کتب تفسیر مختلف نوشته می‌شود.

۴- مرحله‌ای که مفسرین در آن بجز احادیث و روایات به اسرائیلیات توجه کردند و بسیاری از آیات که مراد آنها در احادیث ذکر شده بود نقل‌ها و قول‌های متفاوت یافتند.

۵- مرحله‌ای که در آن تفسیر عقلی و تفسیر نقلی با هم در هم آمیخت و تفسیر به کمال رسید. این مرحله از عصر عباسی آغاز شده و تا امروز ادامه دارد. (خرمشاهی، ۱۳۷۶، ۱۴۷ و ۱۴۸)

منابع تفسیر قرآن

هر مفسری برای آن که تفسیر درستی داشته باشد به منابعی برای استفاده نیازمند است. منابع تفسیر قرآن از نظر شیعه سه مورد است که عبارتند از قرآن، سنت ائمه معصومین علیهم‌السلام که همتای قرآن است و تمسک به یکی از آن دو بدون دیگری مساوی با ترک هر دو است و عقل برهانی. (رک. جوادی آملی، ج ۱، ۱۳۷۹، ۵۵)

بر همین اساس تفسیر قرآن به طور کلی به سه بخش تقسیم می‌شود:

۱- تفسیر قرآن به قرآن

۲- تفسیر قرآن به سنت

۳- تفسیر قرآن به عقل

در تفسیر قرآن به قرآن مفسر با استمداد از پاره‌ای از آیات، آیات دیگر کتاب را تفسیر می‌کند؛ یعنی برای فهم آیه یا بخشی از یک آیه به بخش دیگر آیه و یا آیات دیگر مراجعه کرده و به نتیجه مطلوب می‌رسد. این روش از بهترین روش‌های تفسیر قرآن است و تفاسیری که با تکیه بر این روش نوشته شده‌اند از کامل‌ترین تفاسیرند. این روش از صدر اسلام توسط ائمه اطهار

علیهم السلام و صحابه به کار می‌رفته است. احادیث بسیاری نیز در این زمینه روایت شده است که بعضی از آیات قرآن بعضی دیگر را تفسیر می‌کنند.

در تفسیر قرآن به سنت مفسر با توجه به سنت پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام و صحابه (در میان اهل سنت) آیات را تفسیر می‌کند. آیه الله جوادی آملی در تفسیر خود می‌گوید: «مراد از سنت خصوص حدیث لفظی نیست، زیرا آنچه به معصوم (علیه السلام) نسبت دارد حجت است، اعم از سکوت، عدم ردع (تقریر)، فعل و قول؛ یعنی قرآن فقط لفظ است ولی سنت معصومین (علیهم السلام) شامل هر سه قسم است.» (جوادی آملی، ج ۱، ۱۳۷۹، ۱۳۶)

همچنین درباره تفسیر قرآن به سنت می‌فرمایند: «هدف از عرض سنت بر قرآن برای ارزیابی اعتبار سنت این نیست که سنت موافق با قرآن باشد، چون موافقت با قرآن «شرط» حجیت نیست. بلکه مخالفت با آن «مانع» اعتبار است. پس منظور از عرض که سنت قطعی ضرورت آن را تبیین می‌کند، احراز «عدم مخالفت» سنت معروض با قرآن کریم است، نه «اثبات موافقت» با آن؛ زیرا بسیاری از فروع جزئی در قرآن نیامده و تحدید و تعیین آنها طبق دستور الهی به سنت ارجاع شده است.» (همان، ۱۳۸)

وقتی می‌گوییم تفسیر قرآن به عقل، مراد از عقل: «جوهریست مجرد از ماده و آن نفسی ناطقه است که از آن تعبیر به «من» می‌شود و گفته اند که عقل نوری در دل آدمیست که حق را از باطل باز می‌شناسد. باز گفته اند عقل جوهریست مجرد از ماده وابسته به بدن که در آن تدبیر و تصرف می‌کند و ممیز نیک و بد است.» (مشکور، ۱۳۶۸، ۱۹۹ و ۲۰۰)

شیخ کلینی در کتاب عقل و جهل اصول کافی پس از آوردن احادیثی در باره عقل می‌گوید: «مراد به عقل از جمع روایات این باب استفاده می‌شود همان قوه تشخیص و ادراک و ادار کننده انسان به نیکی و صلاح و بازدارنده او از شر و فساد می‌باشد.» (کلینی، ۱۱)

در تفسیر قرآن به عقل برهانی مفسر با تفقه و تدبیر در آیات و تفحص در آن با میزان و سنجش عقل و خرد و درایت به تفسیر آیات می‌پردازد. این که می‌گوئیم عقل برهانی منظور عقلی است که «با اصول و علوم متعارفه خویش اصل وجود مبدأ جهان و صفات و اسمای حسنی او را ثابت کرده است» (جوادی آملی، ج ۱، ۱۳۷۹، ۱۷۰)

البته این نوع تفسیر مخالفان و موافقان زیادی دارد. کسانی که موافق این نوع تفسیر هستند اشاره به آیات و احادیث فراوانی می‌کنند که آدمی را به تفقه و تدبر در آیات الهی فرا می‌خواند و مخالفان نیز به دلیل اینکه امکان دارد مفسر گرفتار تفسیر به رأی شود و دچار خطا شود و با توجه به این که هیچ بشری (غیر از معصومین علیهم‌السلام) از خطا و اشتباه مصون نیست با این کار مخالفت می‌کنند تا بدان جا که گروهی هرگونه دخالت عقل در روند تفسیر را نادرست دانسته و آن را رد می‌کنند.

تفسیر به رأی

مراد از تفسیر به رأی این است که مفسر بدون کسب شرایط تفسیر و بدون به دست آوردن علم و آگاهی لازم تنها با تکیه بر رأی و احتمال و اجتهاد خویش قرآن را تفسیر کند که این روش هم در بین شیعه و هم در بین اهل سنت باطل و مردود است. همچنین احادیث فراوانی روایت شده که تفسیر به رأی را مردود و مرتکب آن را مستوجب عقوبت الهی می‌داند.

سیوطی در *الاتقان* خود تفسیر به رأی را در پنج قول می‌آورد که عبارتند از:

«یکی: تفسیر کردن بدون حصول علومی که تفسیر کردن با آنها جایز است.

دوم: تفسیر کردن آیات متشابه که جز خداوند آنها را نمی‌داند.

سوم: تفسیری که تقریر کننده مذهبی فاسد باشد، به این نحو که آن مذهب اصل و تفسیر

تابع قرار داده شود که به هرگونه باشد به آن برگرداند هرچند که ضعیف باشد.

چهارم: تفسیر به این که به‌طور قطع بگوید مراد خداوند چنین است بدون آنکه دلیلی داشته باشد.

پنجم: تفسیر با استحسان و هوای نفس». (سیوطی، ج ۲، ۱۳۸۴، ۵۷۶)

اما آیت الله جوادی آملی می‌گویند: «تفسیر قرآن بر اساس رأی که در اصطلاح مفسران

«تفسیر به رأی» نامیده می‌شود، در واقع «تفسیر» نیست، بلکه «تطبیق» و تحمیل رأی بر قرآن است.»

(جوادی آملی، ج ۱، ۱۳۷۹، ۵۹)

بنابر آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که «تفسیر به رأی تفسیری است که از انانیت

شخص برخاسته باشد و تسویلات نفسانی بر او حاکم شود» (خرمشاهی، ۱۳۷۶، ۶۴۵)

اما علامه طباطبایی می‌فرماید: «ما از مجموع روایات چنین استظهار می‌کنیم که روایات نهی منظورشان به طریق تفسیر است نه خود تفسیر (از راه کشف نه مکشوف) و مهم‌ترین جهتش این است که در تفسیر کلام خدا همان معامله‌ای می‌کنیم که در تفسیر کلمات دیگران می‌کنیم. (همان، ۶۴۵) منظور این است که در قرآن بسیار معانی پوشیده و غیبی وجود دارد که در ظرف الفاظ عربی که به صورت متعارف استعمال می‌شود وجود دارد که در کلام بشر وجود ندارد.

بنابراین استفاده از منبع عقل در تفسیر قرآن هرگز مردود نبوده و نیست بلکه در جایی که روایات و احادیث نقل شده از جانب معصوم علیه‌السلام به دست ما نرسیده است به ناچار باید از این منبع استفاده کرد. آنچه مذموم و ناپسند است تفسیر نابجا و خطا بر اساس سلیقه شخصی و پیش داوری و عدم استفاده صحیح از عقل سلیم است. و چنین تفسیری را تفسیر به رأی گویند. اما تفسیر کامل آن است که مفسر آن از هر سه منبع بهره‌جسته باشد و هیچ‌کدام را فرو نگذاشته و فقط به دیگری پرداخته باشد. مثلاً مفسری که فقط قرآن را بر اساس سنت و روایت تفسیر می‌کند هرگز تفسیر کاملی ارائه نخواهد داد چون روایات آنقدر کافی و کامل نیست که او را از منابع دیگر غنی کند. و یا مفسری که قرآن را فقط بر اساس عقل تفسیر می‌کند، در بسیاری از موارد راه به جایی نخواهد برد.

تأویل

تأویل در لغت از ریشه «أول» و مصدر باب تفعیل است یعنی رجوع و بازگشت به اصل (راغب اصفهانی، ج ۲، ۱۳۶۹، ۱۲۷) تأویل: تفسیر الکلام الذی تختلف معانیه ولا یصحّ الأبیان غیر لفظه. (علامه ابن منظور، ۱۴۰۸ هـ.ق، المجلد الاول، ۱۳۱) همچنین تأویل به معنای تعبیر خواب است. در اصطلاح، تأویل تقریباً مترادف «تفسیر» است و گاه نیز در مقابل آن آورده می‌شود. این اصطلاح از اصطلاحات علوم قرآنی است و در حوزه‌های حدیث، حکمت و عرفان و علوم ادبی و بلاغی نیز کاربرد دارد. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ۴۶۸)